

## پیش‌بینی تغییرات خلاقیت بر اساس ابعاد آلکسی تایمیا

منصور بیرامی<sup>۱</sup>

مرتضی عندلیب کورایم<sup>۲</sup>

رسول مفسری<sup>۳</sup>

ناصر تراب زاده<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱

### چکیده

زمینه: یکی از اساسی‌ترین عناصر پیشرفت بشری خلاقیت می‌باشد که عوامل گوناگونی موجب افزایش و همچنین موجب کاهش میزان خلاقیت می‌شوند که بر اساس پیشینه موجود، یکی از این عوامل آلکسی تایمیا می‌باشد.

هدف: نوع ارتباط و تأثیر آلکسی تایمیا بر میزان خلاقیت در پژوهش‌های داخلی موجب ارزیابی قرار نگرفته است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی خلاقیت بر اساس مؤلفه‌های آلکسی تایمیا در میان دانشجویان دانشگاه تبریز می‌باشد.

روش: به منظور دست‌یابی به هدف پژوهش، از میان دانشجویان دانشگاه تبریز، تعداد ۲۱۱ دانشجوی به عنوان آزمودنی با روش نمونه‌گیری تصادفی - نسبی انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه خلاقیت عابدی و مقیاس آلکسی تایمیا تورتو (TAS-20) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از

۱. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Dr.bayrami@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Mortezaandalib65@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. Tasnim\_alone@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ntorabzade@yahoo.com

نرم افزار "اس پی اس اس" نسخه ۱۸، تجزیه و تحلیل شد و از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج، خلاقیت به طور معکوس با مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا رابطه دارد. همین‌طور مؤلفه‌های دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات، تفکر برون‌مدار آلکسی‌تایمیا به طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی خلاقیت می‌باشند. در این میان فقط ضریب بتای خرده مؤلفه ناتوانی در تشخیص احساسات به طور معنی‌دار قادر به تبیین خلاقیت بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشانگر ارتباط معکوس خلاقیت با ابعاد آلکسی‌تایمیا بود، بنابراین می‌توان برنامه‌هایی طراحی کرد که در آن با افزایش میزان خلاقیت افراد، مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا را به کم‌ترین مقدار رساند.

**کلید واژه (گان):** خلاقیت، دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات، تفکر برون‌مدار، آلکسی‌تایمیا.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌هایی اساسی و سازنده انسان، خلاقیت است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد و زیربنای اختراعات و دستاوردهای علمی و هنری است. پژوهش‌های انجام شده در زمینه خلاقیت نشان می‌دهد خلاقیت موهبتی نیست که افرادی خاص از آن برخوردار باشند. همچنین خصوصیتی ذاتی و ارثی هم نیست، چون می‌توان با کاربرد شیوه‌های مناسب، تفکر خلاق را در کودکان پرورش داد (قاسم زاده، ۱۳۷۴). از دیدگاه پلاکر<sup>۱</sup> و بگتو<sup>۲</sup> و داو<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) خلاقیت عبارت از تعامل بین استعداد، پردازش و محیط به واسطه‌ی کارهای فردی و گروهی است که منجر به تولیدات ادراک پذیر می‌شود و از نظر بافت اجتماعی هم جدید و هم مفید تلقی می‌شوند. در تفکر خلاق بر خلاف تفکر منطقی، فرد خود

1. Plucker  
2. Beghetto  
3. Dow

را محدود به یک شیوه نمی‌کند و در جهت ارائه هر چه بیشتر راه حل‌های ممکن تلاش می‌کند. مسیر و جهت مشخص دنبال نمی‌شود. فرد به طور دائم در حال جستجو است تا بتواند تغییر ایجاد کند و توالی در عمل وجود ندارد. مراحل به دنبال هم طی نمی‌شود (حسینی، ۱۳۸۱، به نقل از عندلیب، ۱۳۸۹).

ارتباط و تأثیر متغیرهای گوناگونی مانند راهبردهای فراشناخت (قلتاش، اوجی نژاد، و برزگر، ۱۳۸۹)، سبک‌های مدیریتی (فیضی، ۱۳۸۸)، انگیزه پیشرفت و عزت نفس (شکرکن، برومند نسب، نجاریان، و شهنی ییلاق، ۱۳۸۲) و تصویر سازی ذهنی و آلکسی‌تایمیا (Czernecka & Szymura, 2008) با خلاقیت مورد بررسی قرار گرفته است.

اصطلاح آلکسی‌تایمیا را برای نخستین بار سیفنتوس<sup>۱</sup> (۱۹۷۳، ۱۹۹۶) با استفاده از مشاهدات کلینیکی خود بر روی بیماران روان-تنی، ابداع کرد. آلکسی‌تایمیا دسته‌ای مشکلات مانند پاسخ‌های عاطفی نامناسب، مشکل در تمایز بین هیجان‌ات از حس‌های بدنی، انکار وجود هیجان‌ات، شخصیت سطحی و عدم داشتن رفتار احساسی با دیگران را در بر می‌گیرد. یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های آلکسی‌تایمیا، ناتوانی در یافتن واژه‌های مناسب برای توصیف حالات شخصی است (نشان‌های که آلکسی‌تایمیا نام خود را از آن گرفته است، یعنی ناگویی خلقی). آلکسی‌تایمیا با بروز بالای اختلالات روان‌تنی در ارتباط است و به نظر می‌رسد که یک عامل خطر<sup>۲</sup> برای بروز چنین بیماری‌هایی باشد (Sifneos, 1996).

پس از سال‌ها مطالعه، یک شناخت کلی از آلکسی‌تایمیا به دست آمده است، بدین گونه که آن را یک ویژگی شخصیتی چندوجهی می‌دانند که در جامعه دارای توزیع نرمال می‌باشد (Salminen, Saarijarvi, Aarela, Toikka & Kauhanen, 1999).

برخی از مطالعات نیز این سازه را با ابعاد شخصیتی در ارتباط دانسته‌اند؛ به عنوان مثال پاندی<sup>۳</sup> و ماندال<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) گزارش کردند که این سازه به طور مثبت با روان‌رنجورخویی

1. Sifneos  
2. risk factor  
3. Pandey

( $r=0/56$ ) و به طور منفی با برونگرایی ( $r=-0/30$ ) در ارتباط است. همچنین بیرامی، صالحی حیدرآباد، عندلیب کورایم و پوراسمعلی (۱۳۹۰) در پژوهش خود که بر روی دانشجویان انجام داده‌اند نشان داده‌اند که روان‌رنجور خوبی به طور مثبت و برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وجدانی بودن به طور منفی با آلکسی‌تایمیا در ارتباط می‌باشد.

ارتباط آلکسی‌تایمیا با خلاقیت به طور گسترده و مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است و مجموعه‌ای از داده‌های تجربی به طور غیر مستقیم و ضمنی پیشنهاد می‌کنند که چنین ارتباطی می‌تواند وجود داشته باشد. اول این که یک شخصیت آلکسی‌تایمیک نقطه مقابل آن چیزی است که به عنوان شخصیت خلاق می‌شناسیم. افراد آلکسی‌تایمیک گرایش به رفتارهای عینی، بیش از حد منطقی و به طور ذهنی خشک دارند که نشانگر گرایش و ترجیح قوی به حفظ ثبات و حفظ روزمرگی است (Czernecka & Szymura, 2008). در سوی دیگر مطابق با نظر بارون<sup>۱</sup> و هرینگتون<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) افراد خلاق دوست دار تازگی‌اند، به طور گسترده به عنوان افراد دارای انعطاف بالا توصیف می‌شوند و دارای ذهن سازگارند. انعطاف‌پذیری عاملی از پنج عامل شخصیتی است که با خلاقیت دارای همبستگی مثبت می‌باشد (Wolfradt & Pretz, 2001)؛ از این رو پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داده است که این بعد شخصیتی با آلکسی‌تایمیا دارای همبستگی منفی می‌باشد. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند یک کار خلاقانه نیازمند تصویر سازی ذهنی قوی می‌باشد (Finke, Ward, Smith, 1992) و حتی برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که درجات گوناگون تصویر سازی ذهنی منجر به کارهای خلاقانه متفاوتی می‌شوند (LeBoutillier, Marks, 2003)؛ و از این رو به نظر می‌رسد که افراد آلکسی‌تایمیک در تصویر سازی با مشکل مواجهند و از تخیل اجتناب می‌کنند (Trajdos-Giejdasz, 2004, cited in Czernecka & Szymura, 2008).

1. Mandal  
2. Barron  
3. Harrington

بسیاری از پژوهش‌ها به در نظر گرفتن اهمیت عاطفه و هیجان در فرایند خلاقیت تأکید کرده‌اند (Kolanczyk, Jankowska, Pawłowska – Fusiara & Sterczynski, 2004)؛ افراد آلکسی‌تایمیک به علت ناتوانی در تجربه، شناسایی و نام‌گذاری تجربیاتشان نمی‌توانند به طور خلاقانه پدیده‌های گوناگون خود را تجزیه و تحلیل کنند. با بررسی ذهنی این عوامل، اگر فرض را بر این بگذاریم که ویژگی‌های شخصیتی آلکسی‌تایمیا، دارای اثر منفی بر کارکرد خلاقانه است، منطقی خواهد بود.

گئورگ<sup>۱</sup> و ژو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) به این یافته رسیدند که صفت احساسات آشکار به طور مثبت با عملکرد خلاقانه در ارتباط است. این یافته با عقیده‌ای که معتقد است، توانایی افزایش اطلاعات هیجانی موجب افزایش خلاقیت می‌شود همسان است؛ به عبارتی هوش هیجانی به نفع درک آشکار از موقعیت هیجانی عمل کرده و بنابراین موجب پرورش فرآورده‌های خلاقانه می‌شود.

پژوهشی که زناسنی<sup>۳</sup> و لوبرات<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) انجام دادند نشان داد که خرده‌مقیاس دشواری در تشخیص احساسات با خرده‌مقیاس‌های سیالی، تعداد ایده‌های منحصر فرد و تعداد ایده‌های مثبت دارای همبستگی مثبت می‌باشد؛ ولی خرده‌مقیاس دشواری در توصیف احساسات و نمره کل آلکسی‌تایمیا با هیچ‌یک از خرده‌مقیاس‌های تفکر و اگرآ دارای همبستگی نبودند. با توجه به مطالب ذکر شده در خارج از کشور، و نبود چنین پژوهشی در داخل کشور، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تغییرات خلاقیت دانشجویان بر اساس از مؤلفه‌های آلکسی‌تایمیا در آنان می‌باشد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که در آن ارتباط متغیرهای پیش‌بین (خرده‌مقیاس‌های آلکسی‌تایمیا) با متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری

- 
1. George
  2. Zhou
  3. Zenasni
  4. Lubart

پژوهش حاضر دانشجویان شاغل به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند که به صورت تصادفی نسبی از بین چهار گروه آموزشی فنی- مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و کشاورزی به تعداد ۲۱۱ انتخاب شدند. پس از انتخاب نمونه‌ها از آنها خواسته شد تا دو پرسشنامه خلاقیت عابدی و مقیاس آلکسی تایمیی تورتو را تکمیل کنند، با این توضیح که به آنها گفته می‌شد که در تکمیل کردن یا عدم تکمیل پرسشنامه‌ها کاملاً آزادند و همچنین به آنها این اطمینان داده می‌شد که اطلاعات‌شان کاملاً سری خواهد ماند.

### ابزار پژوهش

مقیاس آلکسی تایمیی تورتوی ۲۰ آئیمی (۲۰-TAS): این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط تیلور<sup>۱</sup> ساخته شد و توسط باگبی<sup>۲</sup> و همکارانش (۱۹۹۴) تجدید نظر گردید. این مقیاس شامل ۲۰ ماده در سه زیر مقیاس: دشواری در تشخیص احساسات (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساسات (۵ ماده) و تفکر برون‌مدار (۸ ماده) می‌باشد. در این مقیاس نمره بالاتر نشان دهنده آلکسی تایمیا بالاتر می‌باشد. ویژگی‌های روان سنجی مقیاس آلکسی تایمیی تورتو-۲۰ در پژوهش‌های متعدد بررسی و تایید شده است. بشارت در نسخه فارسی مقیاس آلکسی تایمیا تورتو-۲۰ را تهیه و ضرایب آلفای کرونباخ برای آلکسی تایمیی کل و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون‌مدار را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش کرد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۶). محمد اعتبار کل مقیاس را با استفاده از روش دو نیمه کردن و آزمون مجدد ۰/۷۴ و ۰/۷۲ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ به دست آورده است (محمد، ۱۳۸۰).

پرسشنامه خلاقیت عابدی: این آزمون که بر اساس نظریه تورنس در سال ۱۳۶۳ درباره خلاقیت به وسیله عابدی (۱۳۷۲) در تهران ساخته شد و روی یک گروه ۶۵۰ نفری از

1. Taylor  
2. Bagby

دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس تهران اجرا گردید. در سال ۱۹۸۶، عابدی و شوماخر<sup>۱</sup> در آمریکا به علت عدم دسترسی به نسخه اصلی، مواد آزمون را از نو ساختند. نسخه جدید آزمون بارها مورد تجدید نظر قرار گرفت و اولین بار به وسیله انیل<sup>۲</sup>، عابدی و اسپیلبرگر<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) تشریح گردید.

این آزمون ۶۰ سؤال سه گزینه‌ای دارد که از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است. گزینه‌ها نشان دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا می‌باشند که نمره یک برای خلاقیت پایین، نمره دو برای خلاقیت متوسط و نمره سه برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون، نمره کلی خلاقیت او را نشان می‌دهد. دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین ۶۰ و ۱۸۰ خواهد بود. سؤال‌های یک تا ۲۲ به سیالی، ۲۳ تا ۳۳ به بسط، ۳۴ تا ۴۹ به ابتکار و ۵۰ تا ۶۰ به انعطاف‌پذیری مربوط است.

پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به این ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار، ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰ (عابدی، ۱۳۷۲). ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده آزمون‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش‌آموز اسپانیایی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آمد (Auzmendi, Villa, 1996).

1. Schumacher  
2. O'Neil  
3. Spielberger

## یافته‌های تحقیق

به منظور روشن تر شدن یافته‌های پژوهش داده‌های توصیفی حاصل از پژوهش در جدول یک به شرح زیر است.

جدول ۱. نتایج توصیفی متغیرهای پژوهشی

| متغیر/شاخص              | میانگین | انحراف معیار | تعداد |
|-------------------------|---------|--------------|-------|
| خلاقیت                  | ۷۶/۵۵   | ۱۳/۴۱        | ۲۱۱   |
| دشواری در تشخیص احساسات | ۱۹/۰۵   | ۵/۹۸         | ۲۱۱   |
| دشواری در توصیف احساسات | ۱۴/۶۳   | ۲/۹۵         | ۲۱۱   |
| تفکر برون‌مدار          | ۲۵/۳۱   | ۳/۷۶         | ۲۱۱   |
| نمره کلی آلکسی‌تایمیا   | ۵۸/۹۹   | ۹/۵۶         | ۲۱۱   |

ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول دو آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که خلاقیت با دشواری در تشخیص احساسات و نمره کلی آلکسی‌تایمیا ( $p < 0/01$ )، و با دشواری در تشخیص احساسات و تفکر برون‌مدار ( $p < 0/05$ )، به طور منفی دارای همبستگی می‌باشد. از سوی دیگر، همبستگی خردی مقیاس‌های آلکسی‌تایمیا با یکدیگر و نمره کلی آلکسی‌تایمیا به طور مثبت معنی دار می‌باشد ( $p < 0/01$ ).

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی

| متغیر                       | (۱)     | (۲)     | (۳)     | (۴)     | (۵) |
|-----------------------------|---------|---------|---------|---------|-----|
| خلاقیت (۱)                  | ۱       |         |         |         |     |
| دشواری در تشخیص احساسات (۲) | -.۰۳۷** | ۱       |         |         |     |
| دشواری در توصیف احساسات (۳) | -.۰۱۵*  | *.۰۴۴** | ۱       |         |     |
| تفکر برون‌مدار (۴)          | -.۰۱۵*  | *.۰۲۳** | *.۰۳۲** | ۱       |     |
| نمره کلی آلکسی‌تایمیا (۵)   | -.۰۳۴** | *.۰۸۵** | *.۰۷۱** | *.۰۶۳** | ۱   |

\*  $p < 0/05$       \*\*  $P < 0/01$

در ادامه به منظور پیش بینی خلاقیت با استفاده از نمره کلی آلکسی‌تایمیا و خردی مقیاس‌های آن، پس از بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون، با توجه به هم خطی بالای نمره



کلی آلکسی تایمیا با خرده مقیاس هایش نمره کلی آلکسی تایمیا از معادله رگرسیون خارج شده و خرده مقیاس های آلکسی تایمیا به عنوان متغیرهای پیش بین وارد معادله رگرسیون شدند که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. پیش بینی خلاقیت بر اساس رگرسیون چندگانه خرده مقیاس های آلکسی تایمیا

| مدل | R    | R <sup>2</sup> | خطای استاندارد | F     | DF <sub>1</sub> | DF <sub>2</sub> | سطح معنی داری |
|-----|------|----------------|----------------|-------|-----------------|-----------------|---------------|
| ۱   | ۰/۳۸ | ۰/۱۴           | ۱۲/۴۹          | ۱۱/۶۰ | ۳               | ۲۰۷             | ۰/۰۰۱         |

بر اساس این جدول چنین نتیجه گیری می شود که همبستگی متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک حدود  $R = 0/38$  است، و ضریب تعیین این متغیرها برابر است با  $R^2 = 0/14$ . این میزان همبستگی و ضریب تعیین با  $F = 11/60$  در سطح  $p < 0/001$  معنی دار است. بنابراین متغیرهای پیش بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی داری پیش بینی کنند. به تعبیر دیگر این متغیرها ۱۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی دار پیش بینی می کنند.

با توجه به ضرایب  $B$  مندرج در جدول ۴ معلوم می شود که از بین متغیرهای پیش بین، فقط خرده مقیاس دشواری در تشخیص احساسات به شکل معنی داری خلاقیت را تبیین می کند.

جدول ۴. پیش بینی خلاقیت بر اساس متغیرهای پیش بین

| منابع تغییرات           | B     | بتا   | t     | سطح معنی داری |
|-------------------------|-------|-------|-------|---------------|
| دشواری در تشخیص احساسات | -۰/۸۳ | -۰/۳۷ | -۵/۱۳ | ۰/۰۰۱         |
| دشواری در توصیف احساسات | ۰/۱۶  | ۰/۳۳  | ۰/۰۴  | ۰/۶۳۷         |
| تفکر برون مدار          | -۰/۲۸ | -۰/۸۰ | -۱/۱۷ | ۰/۲۴۲         |

## بحث و نتیجه گیری

به منظور تکمیل اطلاعات پژوهش های پیشین و افزایش آگاهی در زمینه ارتباط آلکسی تایمیا با خلاقیت، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مؤلفه های آلکسی تایمیا در پیش بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه تبریز بود.

ماتریس همبستگی پژوهش حاضر نشان داد که خلاقیت با خرده مقیاس‌های آلکسی‌تایمیا دارای همبستگی منفی و معنی‌دار می‌باشد. همچنین نتایج همبستگی نشان داد که خرده مقیاس‌های آلکسی‌تایمیا با یکدیگر و با نمره کلی آلکسی‌تایمیا دارای همبستگی مثبت می‌باشد. در مورد ارتباط خرده مقیاس‌های آلکسی‌تایمیا قابل ذکر است که افراد آلکسی‌تایمیک، به علت ناتوانی در تشخیص و تمایز احساسات که در نتیجه بازداری اتوماتیک اطلاعات و احساسات هیجانی به وجود می‌آید، توانایی بیان هیجان‌های خود را نیز ندارند. اگر فردی نتواند احساسات و عواطف هیجانی خود را شناسایی کرده، آن را از حس‌های جسمانی که به طور معمول در بدن او وجود دارد، افتراق دهد، به طور قطع قادر به توصیفی در مورد آن نخواهد بود و نمی‌تواند هیجان‌های خود را به راحتی و به گونه مؤثری ابراز نماید. از این رو، احتمال می‌رود که این بعد نقش اساسی‌تری در تأثیرگذاری بر علایم روان‌شناختی داشته باشد (مظاهری، افشار، محمدی، دقاق زاده و ادیبی، ۱۳۸۹).

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد فقط ضریب بتای خرده مقیاس دشواری در تشخیص احساسات به طور معنی‌دار قادر به تبیین نمره خلاقیت می‌باشد. به عبارتی افراد دارای سطوح بالای آلکسی‌تایمیا دارای سطوح پایین‌تر خلاقیت (با استفاده از آزمون خلاقیت عابدی) می‌باشند. این یافته با نتایج پژوهش شرنکا و شیمورا (۲۰۰۸) که نشان داد آلکسی‌تایمیا با سطوح پایین خلاقیت در ارتباط می‌باشد، همسو می‌باشد. این یافته شاید به گونه‌ای منعکس کننده نوعی شخصیت غیر-خلاق برای افراد آلکسی‌تایمیک است. احتمالاً انجماد شناختی و فقدان یا عدم تمایل به روبرو شدن با تجربیات تازه، از خلاقیت جلوگیری می‌کند.

در این زمینه پژوهشگران مفهوم خلاقیت هیجانی<sup>۱</sup> را مطرح ساخته‌اند، خلاقیت هیجانی به عنوان عاملی مؤثر در تنظیم هیجان‌ها و بهداشت روانی مورد توجه قرار گرفته است. نظر بر این است که خلاقیت هیجانی با غنای زندگی هیجانی شخص (یعنی آلکسی‌تایمیای پایین) در

1. emotional creativity

ارتباط است (Ivcevic, Brackett, Mayer, 2007). ایده فلاقت هیجانی توسط آوریل<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) مطرح شده است، او فلاقت هیجانی را شامل سه معیار نوآوری، کارایی (اثربخشی) و اصالت توصیف کرده است. در این خصوص آوریل (۲۰۰۷) معتقد است افراد دارای فلاقت هیجانی بالا قادرند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند؛ چیزی که عکس آن را در آلکسی‌تایمیا شاهد هستیم.

بسیاری از پژوهشگران به نقش هیجان در فلاقت اشاره کرده‌اند: حالات عاطفی می‌توانند فلاقت را تحریک کرده و فرایند آن را به عنوان تسهیل‌گر یا انگیزش‌زا همراهی کند (Kolanczyk, Jankowska, Pawłowska-Fusiara & Sterczyn, 2004) و افراد آلکسی‌تایمیک چنین امتیازاتی را ندارند.

افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا توانایی محدودی را در برخورد با رویدادهای جدید و عموماً استرس‌آمیز از خود نشان می‌دهند، این ممکن است با تشدید برانگیختگی همراه شود (Porcelli, Bagby, Taylor, De Carne, Leandro, Todarello, 2003)؛ و وقتی فرد آلکسی‌تایمیک در موقعیت جدیدی که نیاز به تصمیم‌گیری و فعالیت خلاقانه دارد، قرار گیرد، به دلیل دشواری در پردازش شناختی و تنظیم و مدیریت احساسات خود، دچار آشفتگی هیجانی می‌شود. بنابراین در چنین مواقعی از برخورد مناسب و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه ناتوان می‌مانند.

تبیین دیگر برای یافته بدین گونه می‌تواند باشد که افراد آلکسی‌تایمیک اساساً بر نبود مسئله و مشکل اصرار دارند، زندگی را خوب و مطلوب می‌دانند و تصور نمی‌کنند که چیزی نادرست و اشتباه به نظر می‌رسد (بشارت، ۱۳۸۷) با توجه به این که مرحله نخست در هر فرایند حل مسئله‌ای تشخیص مسئله است (Stein & Bransford, 1984)، بنابراین افرادی که قائل به وجود مسئله نیستند، بالطبع خود را درگیر در فرایند حل مسئله نمی‌کنند و بنابراین از حل خلاقانه مسائل باز می‌مانند.

---

1. Averill

همچنین یکی از نشانه‌های اصلی آلکسی تایمیا فقر شدید در تفکر نمادین می‌باشد که مانع از آشکارسازی بازخوردها، احساسات، تمایلات و سایق‌ها می‌باشد (Tull, Medaglia, Roemer, 2005) و با توجه به این که یکی از عناصر اصلی در هر تولید خلاقانه عبارت از داشتن تفکر نمادین (Kaufman, Plucker & Baer, 2008) می‌باشد، بنابراین ضعف نمادسازی در افراد مبتلا به آلکسی تایمیا می‌تواند مانع از تولیدات خلاق شود.

نتایج پژوهش حاضر نشانگر ارتباط خلاقیت بالا با ابعاد آلکسی تایمی پایین بود، بنابراین می‌توان برنامه‌هایی طراحی کرد که در آن به منظور افزایش میزان خلاقیت در افراد، ابعاد آلکسی تایمیا را به حداقل رساند. ولی باید این مطلب را نیز مدنظر قرار داد که آلکسی تایمیا تنها یکی از متغیرهای مرتبط با خلاقیت است که به طور معکوس آن را پیش‌بینی می‌کند و متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند با آن در ارتباط باشند. یکی از مفاهیمی که در این پژوهش مطرح گردید مفهوم خلاقیت هیجانی است که این پژوهشی تأییدی بر وجود این مفهوم در افراد است. بدین گونه که می‌توان اذعان داشت که آلکسی تایمیا نقطه مقابل خلاقیت هیجانی می‌باشد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به خود گزارشی بودن ابزار پژوهش اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی ارتباط مؤلفه‌های گوناگون خلاقیت و تفکر واگرا مانند سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف‌پذیری نیز مورد بررسی قرار گیرد.

### منابع

- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۶). ارتباط بین ابعاد شخصیتی و آلکسی تایمیا. *روان شناسی معاصر*، ۲(۲)، ۶۶-۵۵.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۷). نارسایی هیجانی و سبک‌های دفاعی، *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۰(۳۹)، ۱۸۱-۱۹۰.

بیرامی، منصور؛ صالحی حیدر آباد، مجتبی؛ عندلیب کورایم، مرتضی؛ و پوراسمعی، اصغر. (۱۳۹۰). پیش بینی تغییرات آلکسی تایمیا بر اساس مؤلفه‌های شخصیتی. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۳۳(۶)، ۳۹-۴۴.

شکرکن، حسین، برومند نسب، مسعود، نجاریان، بهمن، شهنی ییلاق، منیجه. (۱۳۸۲). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۹(۳ و ۴)، ۱-۲۴.

عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، ۳، ۴۶-۵۴.

عندلیب، مرتضی. (۱۳۸۹). بررسی تغییرات الکتروانسفالوگرافیک نیم کره‌های مغز در طی تفکر همگرا و واگرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

فیضی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سبک‌های مدیریت (سنتی، متعادل و مشارکتی) بر خلاقیت دبیران (مطالعه موردی: دبیرستان‌های شهر سنندج). فصلنامه علوم تربیتی، ۲(۸)، ۷-۳۰.

قاسم زاده، فاطمه. (۱۳۷۴). خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن در سال‌های پیش از دبستان. خلاصه مقالات همایش علمی-کاربردی بهبود کیفیت آموزش عمومی. اداره کل آموزش و پرورش تهران.

قلتاش، عباس؛ اوجی نژاد، احمدرضا؛ و برزگر، محسن. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش راهبردهای فرا شناخت بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان پسر پایه‌ی پنجم ابتدایی فصلنامه روان‌شناسی تربیتی ۱(۴)، ۱۱۹-۱۳۵.

محمد، سعید. (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به کولیت اولسروز و مقایسه آن با افراد سالم. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی تهران.

مظاهری، مینا؛ افشار، حمید؛ محمدی، نرگس؛ دقاق زاده، حامد؛ و ادیبی، پیمان. (۱۳۸۹). ارتباط ابعاد آلکسی تایمیا با افسردگی و اضطراب در مبتلایان به اختلالات گوارشی عملکردی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۸(۲)، ۹۲-۱۰۲.

- Auzmendi, E., Villa, A., & Abedi, J. (1996). Reliability and validity of a newly-constructed multiple-choice creativity instrument. *Creativity Research Journal*, 9 (1), 89-95.
- Averill, J. R. (2007). Together again Emotion and intelligence reconciled. In G. Matthews, M. Zeidner, and R.D. Roberts (Ed.). *Emotional intelligence: Knowns and unknowns*. New York: Oxford University.
- Averill, J. R. (1996). Individual differences in emotional creativity: structure and correlates. *Journal of personality*, 67(4), 331-371.
- Bagby R.M. Taylor G.J. & Parker J.D.A. (1994). The Twenty- Item Toronto Alexithymia Scale II. Convergent discriminate, and concurrent validity. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 33-40.
- Barron, F. X. & Harrington, D. M. (1981). Creativity, intelligence and personality. *Annual Review of Psychology*, 32, 439-476.
- Bransford, J., & Stein, B. (1984). *The IDEAL problem solver: A guide for improving thinking, learning, and creativity*. New York: W.H. Freeman.
- Czernecka, K. & Szymura, B. (2008). Alexithymia – Imagination – Creativity. *Personality and Individual Differences* 45: 445-450.
- Finke, R. A., Ward, T. B., & Smith, S. M. (1992). *Creative cognition: Theory, research and applications*. Cambridge: MIT Press.
- George, J. M., & Zhou, J. (2002). Understanding when bad moods foster creativity and good ones don't: The role of context and clarity of feelings. *Journal of Applied Psychology*, 87, 687-697.
- Irechevic, Z., Brackett, M. A., Mayer, Y.D. (2007). Emotional and intelligence creativity. *Journal of Personality*, 5(2), 199-235.
- Kaufman, J.C., Plucker, J.A. & Baer, J., (2008), *Essentials of creativity assessment*. John Wiley and Sons.
- Kolanczyk, A., Jankowska, A., Pawłowska-Fusiara, M., & Sterczynski, R. (2004). The heart in the mind. The affective basis of orientation in the environment. Gdan, GWP.
- LeBoutillier, N., & Marks, D. F. (2003). Mental imagery and creativity: A meta-analytic review. *British Journal of Psychology*, 94, 29-44.
- O'Neil, H., Abedi, J., & Spielberger, C. (1994). The measurement and teaching of creativity. In H. O'Neil & M. Drillings (Eds.). *Motivation: Theory and research*, pp. 245- 263.
- Pandey, R., & Mandal, M. K. (1996). Eysenckian personality dimensions and alexithymia: examining the overlap in terms of perceived autonomic arousal. *Personality and Individual Differences*, 20, 499-504.
- Plucker J.A., Beghetto, R.A. & Dow, G.T. (2004) Why Isn't Creativity More Important to Educational Psychologists? Potentials, Pitfalls, and Future Directions in Creativity Research. *Educational Psychologist*, 39 (2), 83-96.
- Porcelli, P., Bagby, R.M., Taylor, G.J., De Carne, M., Leandro, G., Todarello, O. (2003) Alexithymia as predictor of treatment outcome in patients with functional gastrointestinal disorders. *Psychosom Med*; 65(5): 911-8.

- Salminen, J. K., Saarijarvi, S., Aarela, E., Toikka, T., & Kauhanen, J. (1999). Prevalence of alexithymia and its association with sociodemographic variables in the general population of Finland. *Journal of Psychosomatic Research*, 46(1), 75–78.
- Sifneos, P. E. (1973). The prevalence of 'alexithymic' characteristics in psychosomatic patients. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 22, 255–262.
- Sifneos, P. E. (1996). Alexithymia: Past and present. *The American Journal of Psychiatry*, 153(7S).
- Tull, M.T., Medaglia, E. Roemer, L (2005). An investigation of the construct validity of the 20-item Toronto alexithymia scale through the use of a verbalization task. *Journal of Journal of Psychosomatic Research*, 59(2), 77-84.
- Wolfradt, U., & Pretz, J. E. (2001). Individual differences in creativity: Personality, story writing and hobby. *European Journal of Personality*, 15, 297–310.
- Zenasni, F., & Lubart, T. (2008). Emotion related-traits moderate the impact of emotional state on creative performance. *Journal of Individual Differences*, 29(3), 157–167.